



شورای راهبردی
روابط خارجی

چالش‌ها و چشم‌انداز توافق صلح جمهوری آذربایجان و ارمنستان

دولت ارمنستان پس از دیدار سه‌جانبه رئیس‌جمهور آذربایجان، نخست‌وزیر ارمنستان و صدراعظم آلمان در حاشیه نشست امنیتی مونیخ، اعلام کرد ایروان و باکو در این دیدار توافق کردند فعالیت‌ها برای رسیدن به صلح ادامه یابد. آخرین تحول مهمی که در روابط آذربایجان و ارمنستان صورت گرفته، دیدار اخیر بین جیحون بایراموف، وزیر امور خارجه آذربایجان و آرات میرزویان، وزیر خارجه ارمنستان در برلین بود که نتیجه خاصی از آن حاصل نشد. به جز آن، چند مورد درگیری نظامی جزئی نیز بین نیروهای نظامی دو کشور در مرزها اتفاق افتاد. در این رابطه خبرهای زیادی منتشر می‌شود؛ از جمله اینکه پیش‌نویس این توافق آماده است و شروط و شروطها نیز از سمت باکو و ایروان به یکدیگر اعلام شده است. منتهی هنوز خیلی از مسائل درباره معاهده صلح مبهم است و مشخص نیست که چه شرط و شرطی از سوی آذربایجان و ارمنستان گذاشته شده است. البته با ارزیابی صحبت‌های مقامات دو کشور و مطالبی که در روزنامه‌ها و رسانه‌ها منتشر می‌شود، می‌توان گفت که جمهوری آذربایجان، ارمنستان را تحت فشار قرار داده تا قانون اساسی‌اش را تغییر دهد و مفادی که به قره‌باغ کوهستانی و پیوندهای قره‌باغ کوهستانی با ارمنستان مربوط می‌شود را از سند استقلالی که در قانون اساسی نیز به آن استناد شده است، حذف کند؛ علاوه بر این، مطالبات ترکیه از ارمنستان را نیز شاهد هستیم؛ از جمله در مورد صرف‌نظر کردن از پیگیری دیدگاه‌های نسل‌کشی ارمنی در سال ۱۹۱۵ توسط ترک‌ها و همچنین ادعاهای ارضی در برهه بخش‌هایی از ترکیه که ایروان آن را ارمنستان غربی اطلاق می‌کند و مدعی است که ارمنستان اصلی همان منطقه است. یکی از مطالباتی که جمهوری آذربایجان از ارمنستان دارد واگذاری جنوب ارمنستان به جمهوری آذربایجان و ترکیه است. از این مسئله بعضاً تحت عنوان راه مواصلاتی یا دالان زنگرور یاد می‌شود که براساس آن، باید منطقه سیونیک به باکو و آنکارا واگذار شود. در این بین ارمنستان نیز به نوبه خود مطالباتی دارد، از جمله در مورد اینکه مرز بین دو کشور چگونه تعیین شود. نقشه‌هایی که باکو به آنها استناد می‌کند مربوط به دهه ۱۹۲۰ است که براساس آن، جنوب ارمنستان به آذربایجان تعلق می‌گیرد اما ارمنستان می‌خواهد که باکو از این نقشه‌ها صرف‌نظر کند و به نقشه‌هایی که در آخر دوره حکومت شوروی سابق یعنی دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در مرزبندی بین جمهوری‌های شوروی وجود داشت، استناد کند. یعنی بر این اساس مرزها را تعیین و زمینه درگیری‌های مرزی را از بین ببرند. امروز اختلافات اصلی بین باکو و ایروان روی این موارد است و به نظر نمی‌آید چشم‌انداز روشنی برای حل این اختلافات وجود داشته باشد. مطالبات باکو بسیار حداکثری و تحقق آنها به معنای تضعیف و نابودی ارمنستان است. ارمنی‌ها نیز نسبت به این موضوع آگاه هستند. حتی طیف غرب‌گرای سازشکاری مانند طیف کنونی که در ارمنستان حاکم است نیز واقف است که اگر شرط و شروط باکو و علی‌الفعلی عملیاتی شود به این معناست که بر کوچک شدن کشور ارمنستان مهر تأیید زده‌اند. در صورت پذیرش شروط باکو ممکن است ارمنستان به مرور از بین برود. این مسئله در مقالات علمی در دانشگاه‌های ترکیه و آذربایجان نیز مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که اگر این شروط عملیاتی شود، عملاً در آینده ارمنستانی وجود نخواهد داشت و اگر هم باشد یک کشور بسیار کوچک تحت تأثیر ترکیه و جمهوری آذربایجان خواهد بود. اگر معاهده صلح امضا نشود درگیری‌ها ادامه خواهد داشت چون توازن قوا بین دو طرف به هم خورده است و جمهوری آذربایجان به شدت مسلح شده است. همچنین در ماه‌های اخیر مشاهده کردیم که ارمنستان نیز به سمت تسلیحاتی شدن بیشتر پیش می‌رود و حتی تسلیحاتی از فرانسه و هند به ارمنستان انتقال داده شده است. تحریک باکو و ایروان از سمت قدرت‌های بیگانه باعث می‌شود که درگیری‌ها ادامه داشته باشد. هرچند ممکن است به یک جنگ گسترده منجر نشود، اما درگیری‌های محدود تداوم خواهد داشت. البته یک جنگ گسترده نیز کاملاً دور از تصور نیست. بعد از جنگ اخیر بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان، نفرت قومی بین طرفین به‌شدت افزایش یافته است و همین مسئله احتمال جنگ و درگیری گسترده را بیشتر کرده است.



یاسمن طاهریان
خبرنگار گروه بین‌الملل

یکی از اولین اقدامات طالبان پس از کسب قدرت در آگوست ۲۰۲۱ توقف فعالیت‌های وزارت امور زنان افغانستان و بازگشایی وزارت «دعوت، ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر» بود که واحد اجرایی و ارشاد مردم به‌دنبال جلوگیری از نقض قوانین اسلامی است. با بازگشت طالبان به قدرت، تغییر کاملاً دور از انتظار نبود، اما بی‌تفاوتی طالبان نسبت به لغو فعالانه حقوق زنان، چرا. در واقع قیل از تصرف دوباره کشور، مذاکره کنندگان طالبان به‌دنبال نشان دادن جهان‌بینی اصلاح‌شده‌ای از خود به جامعه جهانی بودند. آنها متعهد شده بودند از حقوق زنان محافظت می‌کنند. آنها حتی در مذاکرات توافقنامه آمریکا و طالبان در دوحه نشان دادند که مخالف تعامل با زنان نیستند اما تمام آن نمایشی بود. زنان افغانستان یک صندلی واقعی در میز مذاکره «صلح» آمریکا با طالبان نداشتند. زنان افغانستان حالا خواستار کمک جهان برای حذف سیستم سرکوب و بازسازی جامعه‌ای هستند که در آن برابری و حقوق بشر برای همه واقعیت دارد. سال ۲۰۲۰ آمریکا با طالبان توافقنامه‌ای را امضا کرد تا نیروهای نظامی خود را از افغانستان خارج کند. روند مذاکرات صلح بدون حضور زنان یا عدم توجه به نگرانی‌های آنها از تشدید خشونت هدفمند علیه زنان برگزار شد و واکنش‌های منفی نسبت به داستان ساختگی طالبان اصلاح‌شده عمدتاً نادیده گرفته شد. تا آگوست ۲۰۲۱، سربراز طالبان در درگاه کابل منتظر ایستاده بودند. ۱۵ آگوست آنها این شهر را تصرف کردند که نشان‌دهنده سقوط جمهوری افغانستان بود. ۱۰ روز بعد، طالبان اولین دستور خود را صادر کرد و به زنان و دختران دستور داد در خانه بمانند. آنها دلیل این اقدام را اینگونه توجیه کردند که سربراز طالبان برای احترام به زنان آموزش ندیده‌اند و بنابراین نمی‌توانند امنیت آنها را بیرون از خانه تضمین کنند. برخلاف وعده‌های اولیه مبنی بر اصلاحات، طالبان دو دهه پیشرفت زنان را به‌طور خشونت‌آمیز از بین بردند. طالبان تاکنون حدوداً ۸۰ حکم که مستقیماً زنان و دختران را هدف قرار داده، صادر کرده‌اند که نشان‌دهنده ماهیت سیستماتیک، نهادینه‌شده و تنبیهی آپارتاید جنسیتی در افغانستان است. این احکام تنبیهی به‌ویژه برای مواردی که زنان در برابر طالبان مقاومت می‌کنند، تعیین

آپارتاید جنسیتی در افغانستان

شده‌اند. با حدود ۶۰ درصد جمعیت زیر ۳۰ سال افغانستان، اکثریت قریب‌به‌اتفاق افغان‌ها اولین بار است که با قوانین سرکوبگرانه طالبان روبه‌رو می‌شوند. ملاله یکی از زنانی است که با اندیشکده شورای آتلانتیک گفت‌وگو کرده. او می‌گوید: «با هر حکم جدید، خیابان‌های افغانستان از شمال و صدای دختران و زنان خالی شد». برخی از مقامات خارجی شدت آپارتاید جنسیتی در افغانستان را بازتابی از هنجارهای مذهبی یا فرهنگی در نظر می‌گیرند. با این حال، قوانین بین‌المللی به‌صراحت استفاده از فرهنگ یا سنت را به‌عنوان توجیهی برای نقض حقوقی اساسی بشر رد می‌کنند. علاوه بر آن، پژوهشگران اسلامی افغانستان و جهان بسیاری از احکام طالبان علیه زنان را مغایر با اسلام خواندند.

سرکوب زنان و مشارکت مردان

استراتژی سرکوب زنان حتی شامل حال مردانی می‌شود که اعضای خانواده‌شان به آنچه تخلف در نظر گرفته شده مرتکب شده‌اند، تا مردان را مجبور کنند زنان خانواده را وادار به پیروی از احکام طالبان کنند. این سیاست همچنین زنان را مستقیماً در معرض سرکوب مردان قرار می‌دهد و مردان را به مشارکت در این سیستم سرکوبگر مجبور می‌کند. طالبان همچنین تقریباً تمام مکانیسم‌های قانونی را که قبلاً در اختیار زنان بود، حذف کرده است. دفتر دادستانی کل افغانستان به اداره کل نظارت و پیگیری احکام و بخشنامه‌ها تبدیل شده که به رهبران طالبان این اختیار را می‌دهد خواسته خود را بدون طی روند قانونی اعمال کنند. طالبان با حذف سازوکارهای اساسی و قانونی از جمله قانون اساسی، کمیسیون حقوق بشر، مجازات کیفری، دادگاه‌های ویژه و واحدهای مربوط به مبارزه با خشونت علیه زنان و کودکان، هرگونه حمایت قانونی را از زنان افغان حذف کرده است. تاریخ برای خیلی‌ها در افغانستان به سال ۱۹۹۶ برگشته است: اولین باری که طالبان روی کار آمد. آن رژیم فقط ۵ سال روی کار بود و آسیبی که زد با مداخله آمریکا در سال ۲۰۰۱ که ۲ دهه حضور نیروهای بین‌المللی را در افغانستان به‌همراه داشت، تا حدی نیمه‌کاره ماند. این بار که طالبان تکیه محکمی بر صندلی قدرت زده است، آسیب‌ها به‌منظر دائمی خواهند بود. این موضوع به‌کنار، بسیاری دیگر در داخل افغانستان در شرایطی زندگی می‌کنند که از اول هیچ تغییری نکرده است. مسائل حقوق زنان در افغانستان در این مفهوم باید درک شود.

دستاوردهای شکننده و ناپایدار

پیش از ظهور طالبان، مداخله شوروی در سال ۱۹۷۹ جنگ شدیدی را به‌راه انداخت که کشور را حدوداً ۱۷ سال

ویران کرد و شرایط زندگی تمام افغان‌ها، زنان و مردان را تحت تأثیر قرار داد. با این حال، حتی به‌رغم این چالش‌ها، زنان در آن دوران همچنان ۶۰ درصد از کارمندان دولت و بیش از نیمی از دانشجویان را تشکیل می‌دادند. تمام این موارد طی ۵ سال بعد متوقف شدند؛ طالبان زنان افغان را به‌سرعت برقع‌پوش و خانه‌نشین کردند و حق تحصیل و اشتغال را از آنها گرفتند. عملیات «آزادی بلندمدت» و ورود نیروهای آمریکایی و بین‌المللی در اواخر سال ۲۰۰۱ فرصتی را برای تغییر به‌وجود آورد. دسامبر آن سال، دولت موقت جدید افغانستان، وزارت امور زنان را تاسیس کرد تا پیشرفت حقوق زنان را ترویج کند. سیما سمر، زنی هزاره، سیاستمدار، فعال حقوق بشر، کنشگر و پزشک به ریاست وزارتخانه جدید رسید. سمر از صفر شروع کرد، بدون منابع مالی و با یک دفتر اجاره‌ای، بدون هیچ بودجه یا کارکنانی. با این حال، پس از تأمین بودجه با کمک‌های بین‌المللی، شرایط به‌آرامی شروع به تغییر کرد. در سال ۲۰۰۳، سمر به ریاست کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان یا AIHRC رسید اما هدایت وزارت امور زنان همچنان به‌رهبری زنان ادامه داشت. حبیبه سربانی، نخست‌وزیر بعدی وزارت امور زنان شد. مسعوده جلال در اکتبر ۲۰۰۴ به این سمت رسید و بعد از آن در جولای ۲۰۰۶ حسن بانو غضنفر جایگزین جلال شد. غضنفر تا تشکیل «حکومت وحدت ملی» در سال ۲۰۱۵ مسئولیت وزارتخانه را برعهده داشت. دلبر نظری، جانشین او شد که یکی از ۴ زن وزیر در حکومت وحدت ملی را تشکیل می‌داد.

بحث ساختار-عاملیت

با این حال فعالیت‌های وزارت امور زنان هیچ‌وقت نمی‌تواند از سیاست‌های زورگویانه، انتصابات فامیلی، کشمکش‌های زنان عضو پارلمان، محدود شدن اثرگذاری بدنه جدا باشد. وزرای پی‌درپی وزارتخانه امروز زنان به‌طور مرتب به انحصار سیاسی و قومی مناصب وزارتخانه و حذف شبکه‌های مربوط به زنان متهم شدند. در نتیجه آنچه به‌وضوح غایب بود تشکیل بلوکی از زنان متحد با هدف پیگیری یک برنامه مشترک حقوق زنان از قوانین افغانستان بود. مثلاً در جولای ۲۰۱۶، سه نماینده زن پارلمان استیضاح دلبر نظری، وزیر وقت امور زنان را کلید زدند. نظری، زنی از پاکستانی از ولایت بلخ به فساد اخلاقی و دولتی، انتصاب فامیلی، مدیریت ضعیف و ناکارآمدی محکوم شد که مشابه اتهاماتی هم‌سطح هم‌تایان مرد او بود. او در صورت از این اتهامات نجات پیدا کرد. محافظه‌کاری و پدرسالاری حتی پس از سال ۲۰۰۱ هم نقشی در محدود

با بازگشت طالبان به قدرت آشکار شد فضای که زنان و دختران افغانستان در آن مسیر اشتغال، تحصیل و توانمندسازی را پیدا کرده بودند، از بین رفته است. بسیاری از خانواده‌ها حالا با فقر شدید، مسائل سلامت روان و حتی خودکشی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. سال ۲۰۲۳، سازمان بین‌المللی کار تخمین زد، ۲۵ درصد از مشاغل زنان از زمان بازگشت طالبان در سال ۲۰۲۱ از بین رفته‌اند

اثرات بازگشت طالبان بر محدودیت مشارکت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زنان

